به نام خدا

کارگاه «نکاتی پیرامون تست‌های قرابت معنایی»

با حضور دکتر هامون سبطی

گروه آموزشی – ادبی دبیران ادبیات استان اصفهان (۹۶/۸/۲۱)

@GanjeAdabeEsfahan

هندیجانی:

سلام و درود بر جناب دکتر هامون سبطی

خوش آمدید، از اینکه قبول زحمت فرمودید برای برکزاری کارگاه قرابت معنایی و پاسخ به سوالات همکاران بسیار سپاسگزاریم.

هامون سبطی:

با درود به همکاران ارجمند

خوشحالم که به دعوت جناب هندیجانی، در این جمع، میهمان شما عزیزان هستم. در طول بیشتر از دو دهه قلم زدن و قدم زدنم در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی، از پشتیبانی بسیاری از شما دوستان نادیده و دردآشنا بهره ها برده ام. امیدوارم که این جادر حد مقدوراتم بتوانم بهره ای برسانم.

خلاصه و سرراست بگویم که برای پاسخگویی به تستهای تناسب مفهومی راه میان بر و تکنیک کنکوری وجود ندارد .

طراحان این پرسشها افرادی باهوش، دانا و اهل فن هستند که هر نوع هرزگفتار و هرزآموزه ای را در این زمینه از طرق بسیاری رصد و دریافت می کنند و هر سال بیش از سال گذشته به شکلی سوالات را طراحی می نمایند که تنها دانش آموزی توانایی پاسخگویی به تمام این تستها را داشته باشد که:

۱. قدرت خوانش بیت های خارج از کتاب را دارا باشد.

۲. توان تحلیل مفاهیم مطرح شده در بیت و کشف منظور و پیام اصلی بیت یا عبارت را داشته باشد.

۳. به برداشت های سطحی و کلیدواژه ای متوسل نشود.

۴. با مفاهیم و تصویر سازی های رایج در ادبیات کلاسیک فارسی کمی فراتر از حد کتاب درسی آشنا باشد.

(تصویر شماره ۱)

برای آن که ما بعنوان معلم بتوانیم کاری کنیم که دانش آموزان ما به چنین توانایی ارزشمندی دست یابند، باید با صبر و حوصله آن ها را در سه مرحله راهنمایی و همراهی کنیم.

۱. توانایی درست خواندن متن و شعر

۲. توانایی رسیدن به معنای شعر

۳. توانایی رسیدن از معنا به منظور شعر

مشکل کار چند جاست:

۱. مورد یک و دو درهم تنیده اند، یعنی دانش آموز ما برای رسیدن به معنای شعر باید بتواند آن را درست بخواند و از سویی برای درست خواندن شعر باید به معنای آن توجه کند.

۲. خط فارسی به دلایل زیادی از جمله نداشتن حروف جداگانه ای برای مصوت ها و همچنین بی توجهی عمدی یا سهوی طراح در رعایت نیم فاصله، کار را برای دانش آموز ما دشوار تر می کند.

۳. آزمون های آزمایشی صفحه ای بودجه می دهند اما درواقع مبحثی سوال طرح می کنند.

@GanjeAdabeEsfahan

برای مورد سوم اندک کاری از من ساخته بود و به امید خدا آرام آرام در بودجه بندی و نوع تستهای کنکورهای آزمایشی تا حدی این مشکل کاهش خواهد یافت.

برای مورد دوم از هیچ کسی کاری ساخته نیست مگر عزمی ملی و فرهنگستانی ...

برای مورد نخست که البته کار مشکل تر هم آنجاست، روشهای کارسازی وجود دارد که در یک بازه دو ماهه با زمان مطالعه و تمرین سه ساعت در هفته، می توانیم دانش آموزان را به تسلط و شناخت نسبی از شعر و ادبیات فارسی برساند و پس از آن دیگر کسی نمی تواند جلودار شاگردهایمان شود که شعر نخوانند و تست نزنند و به بهترین درصدها در آزمون سراسری دست نیازند و از آن مهم تر، اغلب این بچه ها تا آخر عمر شعرخوان می مانند.

F. Alinian:

سلام استاد گرانقدر ضمن خوش امدگویی به جنابعالی، با این کمبود وقت، حجم کتابها وکم شدن زمان تدریس واقعا چه راهی را برای تقویت این مهارت پیشنهاد میفرمایید؟

هامون سبطی:

مهم ترین کاری که من در کلاس های درس می کنم این است:

شعر کتاب برای دانش آموزان ما شعر خارج از کتاب است! این بهترین فرصت است که همراه آنها شویم و خواندن بیتهای خارج از کتاب را با آنها تمرین کنیم، بدون این که به ظاهر وقت کلاس را صرف بیتی خارج از کتاب کرده باشیم. این فرصت استثنایی فقط یکبار برای دانش آموزان ما فراهم است، به محض این که بیت را برایشان خواندیم، این فرصت تمام می شود، بنابراین باید هر بیت را در آغاز خود بچه ها بخوانند ، باید فرصت اشتباه کردن و اصلاح اشتباهات را به آنها بدهیم و بجای درگیر شدن در نکته های ریز مجاز و ایهام و تناسب و واج آرایی و که بیشتر وقت کلاس را می گیرد و همه می دانیم که از بیتهای کتاب درسی سوال آرایه طرح نمی شود، بخشی از وقت کلاس را به آموزش خوانش درست شعر به کمک بیت های کتاب درسی اختصاص دهیم، این کار هم فضای جذابتری را بر کلاس حاکم می کند هم پس از دو تا سه ماه در تراز ادبیات شاگردان معجزه می کند.

اگر اجازه بدهید امروز به سرخط هایی که حین خواندن شعر باید دانش آموز را بدان ها حساس کرد و توجه و دقتش را بدانها معطوف نمود می پردازیم.

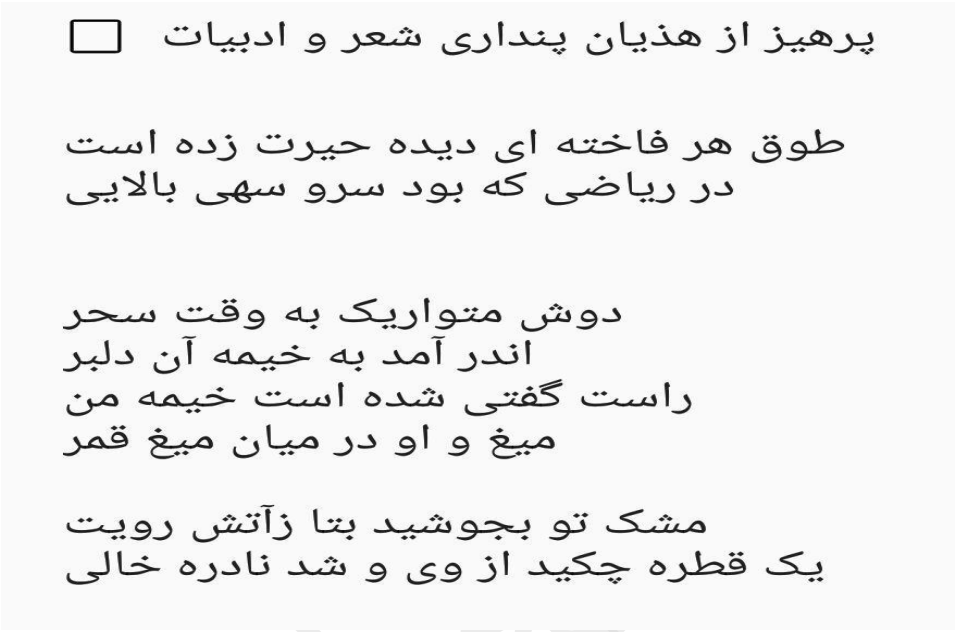

(تصویر شماره ۲)

بزرگترین اشتباه دانش آموزان این است که تصور می کنند، شعر را باید برایشان ترجمه کنیم! ابتدا به شاگردانمان بگوییم که این شعرها را هموطنان خودشان گفته اند نه خارجی ها، پس ترجمه نمی خواهد! دوم این که این هم وطنانشان شاعر بودند، اما مشاعرشان را از دست نداده بودند، اتفاقا اغلبشان جزو نخبگان زمان خویش بوده اند، پس مطمئنا حرف زدن درست را می دانستند!

بنابراین

به محظ این که شاگردی بیت را گونه ای خواند که نه در حد شعر بلکه در حد سخنی عادی نیز به نظر نمی رسد و اصلا سروته ندارد و هذیان وار است، باید بگوییم: ایست

این که تو خواندی هذیان بود. در خواندنت تجدید نظر کن

مثلا اگر دانش آموزی در بیت نخست کلمه ریاضی (باغ‌هایی) را برای دل خودش ریاضی (ریاضیات) بخواند، مشمول هذیان گویی شده است و باید بیاموزد که دفعه بعد در چنین موردی لااقل بگوید نمی توانم این بیت را بخوانم. این خودش قدم بزرگی است در شناخت ادبیات.

@GanjeAdabeEsfahan

توجه به گونه های متفاوت خوانش یک نویسه ☐

برد هرکسی بار در خورد زور
گران است پای ملخ پیش مور

عالمی را که گفت باشد و بس
هرچه گوید نگیرد اندر کس

اگر از شکوه خاموشم نه خرسندی ست می خواهم
که در دیوان محشر مهر از این طومار بردارم

گرد بام و در من بی ثمر می گردی
انتظار خبری نیست مرا

(تصویر شماره ۳)

پس از هذیان زدایی از چهره شعر فارسی در نگاه شاگردانمان، باید نکات اصلی را با آنها درمیان بگذاریم و پا به پایشان تمرین کنیم.

حالتهای گوناگون خوانش

گرد

برد

بکشید

ببرید

درد و ...

گو بروید یا نروید ...

@GanjeAdabeEsfahan

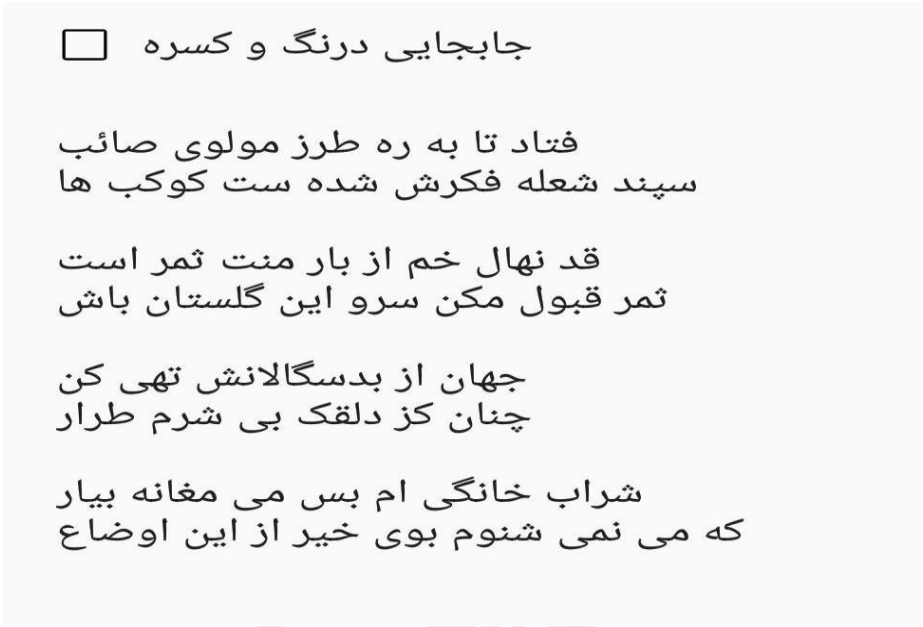

(تصویر شماره ۴)

این مرحله بسیار مهم است و بسیار کارگشا.

هرجا کلام معنا دار از آب درنیامد باید نگاهی به جفت کسره - درنگ داشته باشیم. جا به جایی آنها اغلب کارگشاست.

مثلا فرض بفرمایید اگر کسی متوجه کسره میان «بی شرم» و «طرار» نشود معنای بیت چه از آب درخواهد آمد.

یا بر عکس اگر در بیت چهارم بین «بس» و «می» درنگ نکند سررشته کلام از دستش می رود.

@GanjeAdabeEsfahan

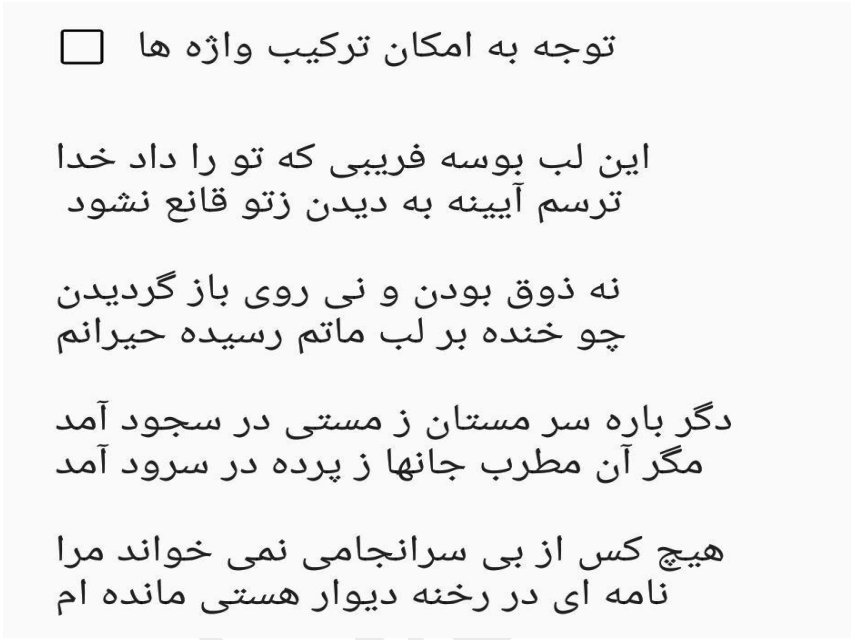

(تصویر شماره ۵)

این نکته در سبک هندی به شکل افراطی رایج شده بود و متأسفانه طراحان ما را نیز خوش آید!

البته در بیت پایانی ما با یک ترکیب وصفی طولانی رو به رو هستیم که دانش آموز پس دیدن چند نمونه از این دست خودش در موارد بعدی به کشف و شهود می پردازد. فقط باید راه را به او نشان داد.

در بیت سوم، دقیقا ماجرا معکوس شده است و سر مستان را باید به شکل ترکیب اضافی خواند.

@GanjeAdabeEsfahan

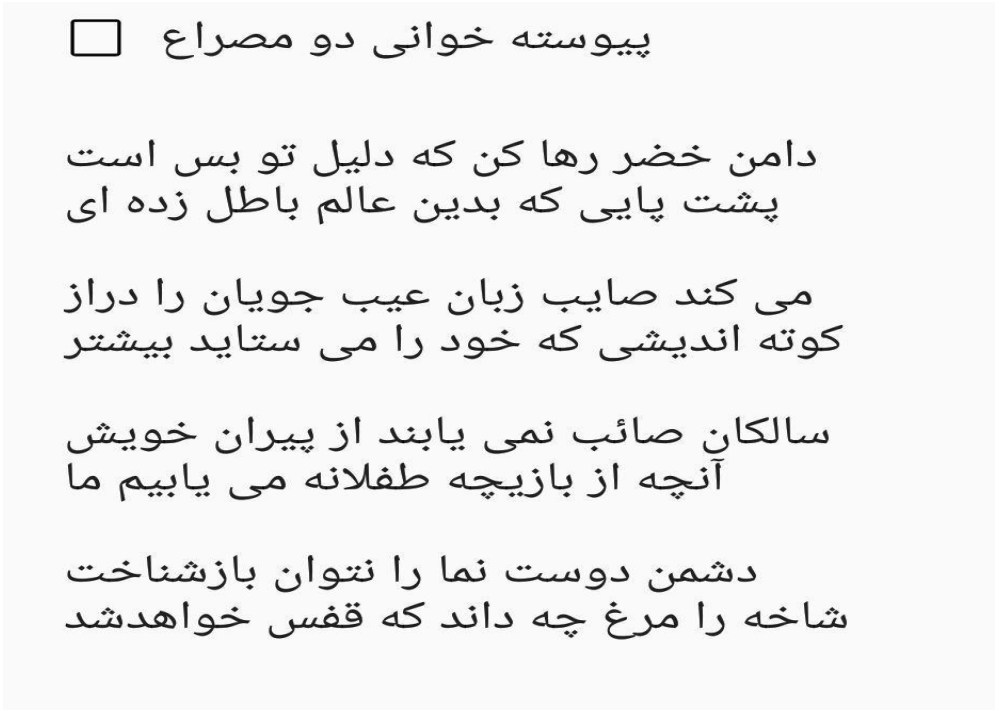

(تصویر شماره ۶)

این مورد بسیار مهم است...

اصولا من به شاگردانم می آموزم که هنگام خواندن بیتها چیزی به نام مصراع نداریم و دست کم باید یک بیت را تا انتهایش بخوانیم و بعد به معنایش فکر کنیم. معنا کردن مصراع به مصراع بیتها سر کلاسها باید به معنا کردن بیت به بیت تبدیل شود.

به هم ریختگی جمله هم باید مورد توجه باشد که در بیت چهارم نمونه ای از آن را شاهدیم.

@GanjeAdabeEsfahan

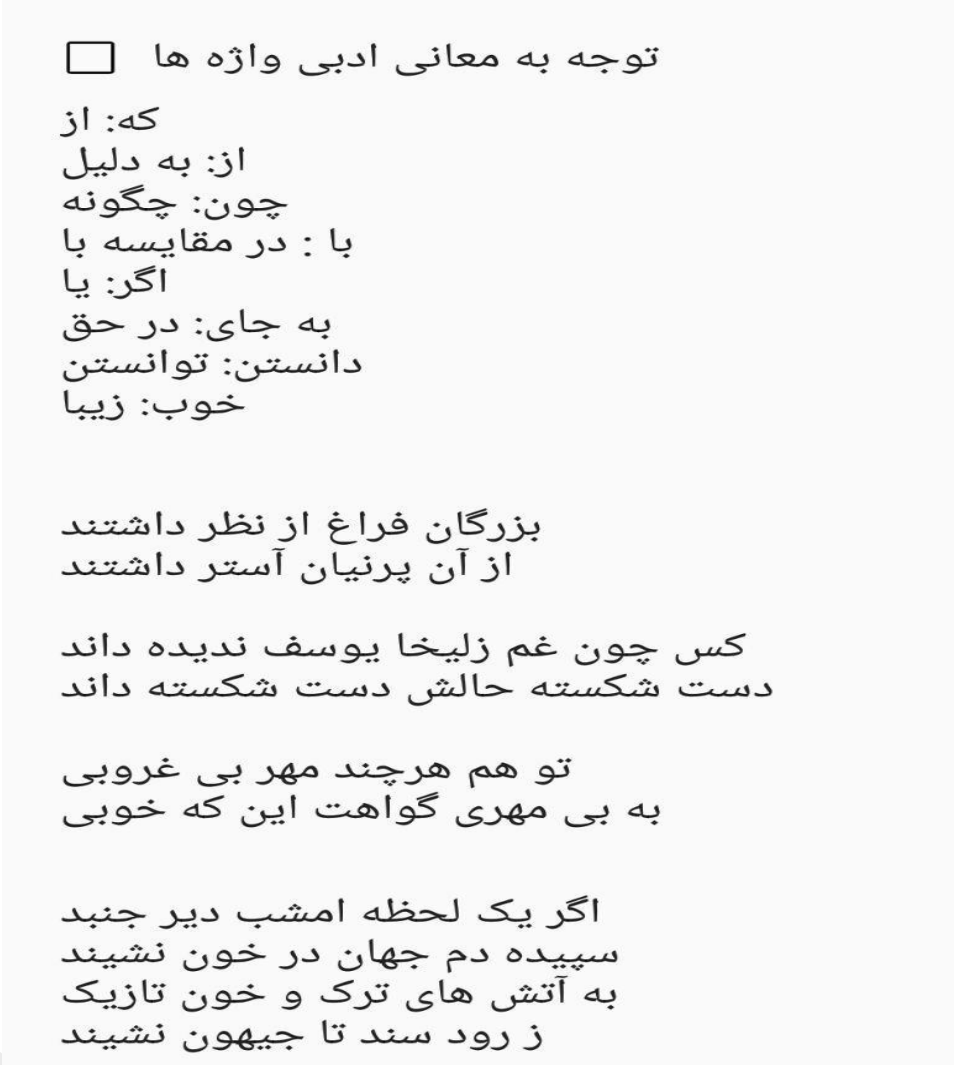

(**تصویر شماره ۷**) * (جیحون شکل صحیح واژه است)

یا همان واژه های کلیدی که در بخش سوم از فصل اول کتاب تناسب مفهومی با نوآموز ادب فارسی در میان گذاشته می شود و علاوه بر این که گاهی مستقیما از این واژه ها پرسش طراحی می شود، به شکل غیر مستقیم در پاسخگویی به سوالات زیادی نقش سازند.

برای نمونه" از " در مصراع دوم بیت نخست، از معمولی نیست و معنای به این سبب می دهد و دانستن این نکته کلید کشف معنای این بیت است.

یا توجه به معنای خاص " چو" در این بیت تکرارشونده در کنکور

چو روی پرستیدنت با خداست / اگر جبرئیلت نبیند رواست

مباحثه:

هامون سبطی:

در دو بیت پایانی تصویر آخر مربوط به چهارپاره مهدی حمیدی، من پیچشی در بیت دوم احساس می کنم. دوست دارم نظر همکاران را بشنوم.

تا جایی که من دیدم هیچ یک از کتابهای کمک آموزشی موجود وارد معنای دقیق این بیت نشده اند و خود کتاب درسی هم سکوت اختیار کرده اما واقعا معنای دقیق بیت دوم چیست؟

مرجان:
نهاد در بیت دوم؟

هامون سبطی:
بله فکر کنم این جا اتفاقی افتاده است.

reza ghassemi:
نهاد در مصراع اول شب یا جلال الدین؟؟

Foruzan Tansaz:
سلام. جلال الدین

هامون سبطی:
اگر یک لحظه امشب دیر جنبد
سپیده دم جهان در خون نشیند
به آتش های ترک و خون تازیک
ز رود سند تا جیهون نشیند

Shahpiri MH:
جهان

@GanjeAdabeEsfahan

ح. خانجانی:

سپیده دم جهان در خون نشیند / (جهان) به آتش های ... در خون نشیند

هامون سبطی:

بگذارید سوال را این گونه مطرح کنیم:

آیا واو از نوع واو عطف است؟

A. Ahadi:

به نظر من واو ربط است

reza ghassemi:

خون تازیک نهاد ز رود سند تا جیحون نشیند؟؟

Zahra Sadeghi:

منظورتان واو در بیت دوم است؟

هامون سبطی:

واو عطف هم از نوع ربط است اما بین اجزای هم نقش می آید

A. Ahadi:

از تیر هایی که شلیک میشود و از خون هایی که ریخته میشود

ح. خانجانی:

منظور شما این است که جمله ی بعد از واو این است:

خون تازیک ز رود سند تا جیحون نشیند؟

بعید است و پیچاندن معنی است:

به آتش های ترک و خون تازیک (جهان) از رود سند تا جیحون در خون می نشیند

هامون سبطی:

دقیقا. به نظر می رسد که «به آتش های ترک» مربوط به جمله ی بیت قبلی باشد، موافقید یا من در اشتباهم؟

ح. خانجانی:

خیلی دور از ذهن است.

گرچه غیرممکن هم نیست.

هندیجانی:

با حمله مغولان و کشته شدن ایرانیان سراسر ایران از سند تا جیحون را خون فرامی گیرد.

فروغ سینایی:

به نظر مصراع اول (اگر.....) دلیل مصراع دوم است و نیازی به متمم در جمله بعد نیست.

هامون سبطی:

نهاد جمله نخست جلال الدین است. نهاد جمله دوم جهان. نهاد جمله سوم چیست؟

ح. خانجانی:

دوم و سوم جهان

A. Ahadi:

خون نهاد است؟

Shahpiri MH:

اگر این طور باشد نهاد جمله سوم خون است.

فروغ سینایی:

در معنا همان خون تازیک.

جعفری:

نهاد با توجه به قرینه همان جهان است.

اگر نهاد را خون بگیریم واو را چه معنا کنیم؟

@GanjeAdabeEsfahan

ح. خانجانی:

جناب سبطی آوردن فعل نشستن برای نهاد خون نمونه ی دیگرهم دارد؟

برخورد کردید شما؟

در خون نشستن کاربردش بسیار است

ولی خون ... نشستن نداریم.

من ندیدم

جعفری:

اگر نهاد را خون بگیریم پس واو چیست؟

هامون سبطی:

بله می گوییم جهان در خون نشست

ح. خانجانی:

جهان نهاد است

نمونه ای که خون نهاد باشد

هامون سبطی:

خون به رخساره اش نشست

البته ما در حال هم اندیشی هستیم

ح. خانجانی:

خون در رخساره دویدن

نشستن نه

A. Ahadi:

نمونه هایی شبیه به این که خون سراسر دشت را گرفت در شاهنامه زیاد است. البته الان حضور ذهن ندارم.

ح.خانجانی:

نشستن خون

با خون جایی را گرفت فرق دارد.

A. Ahadi:

میتواند در همون مفهوم به کار رود.

ح. خانجانی:

نه

از نظر صورخیال درست نیست.

هامون سبطی:

البته این جا با شعری معاصر رو به رو هستیم.

جعفری:

البته ما باید به دیگر اشعار حمیدی رجوع کنیم و ببینیم که در زبان او آیا باز هم از این پیچیدگی ها هست یا خیر.

هامون سبطی:

بسیار نکته بینانه بود. دقیقا در همین سروده که البته همه بیتهایش در کتاب درسی نیامده فراوان از این پیچشهای ملیح دیده می شود.

بنابراین هنوز موقع رسیدن به حکم قطعی نیست.

Shahpiri MH:

تشکر از نگاه جدید شما به این شعر

جعفری:

اگر نهاد جمله سوم را خون تازیک بگیریم وزن شعر به هم میخورد.

هامون سبطی:

بعید می دانم

جعفری:

پس از ترک باید مکث کنیم و آنگاه وزن به هم میخورد ؟؟

هامون سبطی:

پس بیایید جمله ها را مرتب کنیم:

من این حالت را دستورمندتر از دیگر حالت ها میبینم و بر آن اصرار ندارم. اگر حالت بهتری باشد ترجیح می دهم:

اگر او امشب یک لحظه دیر جنبد، به (به واسطه ی) آتش های ترک، جهان در خون می نشیند و خون تازیک ز رود سند تا جیحون می نشیند.

Aghdas Jenani:

درود بر شما !کاملا دستورمنده

بی تی:

به نظر همین درست است.

A. Ahadi:

بله کاملا درست است.

هندیجانی:

همین است دقیقا

خون ایرانیان از سند تا جیحون می نشیند (فرا می گیرد)

جعفری:

استاد آیا اگر اینگونه بخوانیم وزن کمی به هم نمی ریزد؟

هامون سبطی:

بعید می دانم، ضرورتی به مکث نیست و اگر میشد مکث کرد در واقع ملاحت شیطنت زبانی شاعر رنگ می باخت.

جعفری:

سپاس.

هر چند پیش از دیدن زبان شعری حمیدی در دیگر اشعارش نمی توان حکم قطعی داد.

بی تی:

اتفاقاً زیباست چون یک درد را القا می کند

خانم یوسف زاده:

از آتش حاصل از برخورد شمشیرها ی ترکان و در مقابل آن. خون ریخته شده ی ایرانیان از رودخانه ی سند تا رودخانه ی جیحون را به خون کشیده می شود

reza ghassemi:

مشکل نوع حرف واو هست که چیست؟؟؟

جعفری:

می توان واو را هم ربط گرفت. آن وقت معنا درست می شود ولی وزن به هم می ریزد.

هامون سبطی:

باید امشب بروم. اگر فرصتی دست داد ادامه مبحث تناسب مفهومی را در جمع شما ارجمندان صاحب نظر پی خواهم گرفت. سربلند باشید.

کارگاه «نکاتی پیرامون تست‌های قرابت معنایی»

با حضور دکتر هامون سبطی

گروه آموزشی – ادبی دبیران ادبیات استان اصفهان (۹۶/۸/۲۱)